



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



عمر الکرما  
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir

امام صادق عليه السلام

را بهتر بشناسیم

محمدالله اکبری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# امام صادق علیه السلام را بهتر بشناسیم

نویسنده:

محمد الله اکبری

ناشر چاپی:

ماهنامه کوثر

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	..... فهرست
۶	..... امام صادق (ع) را بهتر بشناسیم
۶	..... مشخصات کتاب
۶	..... مقدمه
۷	..... شمایل
۷	..... آراستگی ظاهر
۷	..... لباس پوشیدن
۸	..... غذا خوردن
۸	..... عبادت
۸	..... برنامه زندگی (کار)
۹	..... تجارت
۹	..... بخشش به نیازمندان
۱۱	..... شجاعت
۱۱	..... مهابت، گذشت و بردباری
۱۲	..... صبر
۱۲	..... تواضع
۱۲	..... صله رحم
۱۳	..... کمک مالی برای برقراری صلح و آرامش
۱۳	..... همدردی با مردم
۱۳	..... درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## امام صادق (ع) را بهتر بشناسیم

### مشخصات کتاب

مؤلف: محمد الله اکبری

ناشر: ماهنامه کوثر

### مقدمه

نام شریفش جعفر، کنیه‌اش ابوعبدالله و ابواسماعیل و لقبهایش فاضل، قائم، طاهر، کافل، منجی و مشهورترین آنها صادق بود. در روز جمعه هفدهم ربیع الاول سال ۸۳ هجری قمری هنگام طلوع فجر در مدینه چشم به جهان گشود و در بیست و پنجم شوال سال ۱۴۸ هجری قمری در سن شصت و پنج سالگی در مدینه چشم از جهان فرو بست و در کنار پدر و جد (امام باقر و امام سجاد(علیه السلام)) و عموی جدش (امام حسن مجتبی (ع) در قبرستان بقیع به خاک سپرده شد. پدرش ۲۶ ساله بود که او زاده شد. دوازده سال از عمر شریفش را در کنار جدش امام سجاد (علیه السلام) و نوزده سال را در کنار پدرش امام باقر(علیه السلام) گذراند. مدت امامت آن گرامی ۳۴ سال بود که حدود هجده سال آن (۱۳۲ - ۱۱۴ ه) همزمان با حکومت امویان بود و شانزده سال آن (۱۴۸-۱۳۲ ه) همزمان با حکومت عباسیان. آن حضرت با پنج تن از خلفای بنی امیه هشام بن عبدالملک (۱۲۵-۱۰۵ ه)، ولید بن یزید (۱۲۶-۱۲۵ ه)، یزید بن ولید (۱۲۶۷ ه)، ابراهیم بن ولید (۱۲۷ ه) و مروان بن محمد ملقب به حمار (۱۳۲-۱۲۷ ه) و دو تن از خلفای بنی عباس ابوالعباس سفاح (۱۳۲-۱۳۶) و ابوجعفر منصور (۱۵۸-۱۳۶ ه) معاصر بود. در مدت امامت آن حضرت در قلمرو اسلام حوادث مهمی روی داد. تنی چند از علویان علیه حکومت وقت قیام کردند. زید بن علی بن الحسین پسر امام سجاد(علیه السلام) در سال ۱۲۱ هجری علیه هشام بن عبدالملک اموی در کوفه قیام کرد و به شهادت رسید. یحیی پسر زید نیز چند سال بعد در خراسان قیام کرد و کشته شد. محمد بن عبدالله معروف به نفس زکیه نوه امام حسن مجتبی(علیه السلام) نیز در سال ۱۴۵ هجری علیه حکومت عباسی علیه منصور دوانیقی در مدینه قیام کرد ولی کارش به جایی نرسید و کشته شد. برادر این محمد، ابراهیم بن عبدالله هم در همان سال در بصره علیه منصور قیام کرد و کشته شد. از جمله مهمترین حوادث سیاسی اجتماعی دوران امامت امام صادق (علیه السلام) انتقال حکومت از امویان به عباسیان بود. عباسیان که از سال ۱۰۰ هجری یک نهضت فرهنگی پنهانی را بنیاد کرده بودند و علیه امویان در خراسان مخفیانه تبلیغ می کردند سرانجام در سال ۱۲۹ هجری به یک قیام نظامی به رهبری ابومسلم خراسانی دست زدند و در سال ۱۳۲ هجری ابوالعباس سفاح را در کوفه به خلافت رساندند و در همان سال مروان حمار آخرین خلیفه اموی در مصر به دست سپاه خراسان کشته شد. در دوره امامت امام صادق(علیه السلام) مسلمانان بیش از پیش به علم و دانش روی آوردند و در بیشتر شهرهای قلمرو اسلام به ویژه در مدینه، مکه، کوفه، بصره و... مجالس درس و مناظره‌های علمی دایر و از رونق خاصی برخوردار گردید. در این مدت و با استفاده از فرصت به دست آمده امام صادق(علیه السلام) توانست علوم و معارف اهل بیت را بیان کرده در همه جا منتشر کند. سفرهای اجباری و اختیاری امام به عراق و به شهرهای حیره، هاشمیه و کوفه و مدتی اقامت در کوفه و برخورد با اربابان دیگر مذاهب فقهی و کلامی نقش بسزایی در معرفی علوم اهل بیت و گسترش آن در جامعه داشت. در این شهرها مدینه، کوفه، حیره، هاشمیه و مکه در ایام حج گروههای مختلف برای فراگیری دانش نزد آن حضرت می آمدند و از دریای دانش او بهره می بردند. بزرگان اهل سنت چون مالک بن انس، ابوحنیفه، سفیان ثوری، سفیان بن عیینه، ابن جریج، روح ابن قاسم و... ریزه خوار خوان دانش بیکران او بودند. آن اندازه که دانشمندان و راویان از او حرف و حدیث نقل کرده و از دانش وی بهره برده‌اند از هیچ یک از دیگر ائمه و دیگر خاندان اهل بیت، آن اندازه نقل نکرده‌اند. هیچ محدث و فقیهی به اندازه آن حضرت مساله پاسخ نگفته

است. بر خورد وی با گروه‌های مختلف مردم سبب شد که آوازه شهرتش در دانش و بینش دینی، علم و تقوی، سخاوت و جود و کرم و... در تمام قلمرو اسلام طنین انداز شود و مردم از هر سو برای استفاده از دانش بیکران وی رو سوی او کنند. دانشمندان علم حدیث شمار کسانی را که مورد اعتماد بوده‌اند راویان ثقه و از آن حضرت حدیث نقل کرده‌اند تا چهار هزار نفر را نوشته‌اند. ظاهراً نخستین بار ابن عقده این شمارش را انجام داده است. (نک: مناقب، ۴ / ۳۶۹ دارالاضواء) شیخ طوسی در کتاب رجال خود سه هزار دویست و سی و چهارتن از این راویان از جمله دوازده زن را نام برده است. (نک: رجال طوسی، اصحاب الصادق (ع) در این دوره علوم و فلسفه ایرانی، هندی و یونانی به حوزه اسلامی راه یافت و بازار ترجمه علوم گوناگون از زبانهای مختلف به زبان عربی گرم و پروتق گردید. همچنین مکتبهای کلامی و فرقه‌های مذهبی و فقهی در این عصر پایه گذاری شد. مناظرات امام صادق (علیه السلام) با اربابان دانشهای گوناگون چون پزشکان، فقیهان، منجمان، متکلمان، صوفیان و... به ویژه مناظرات وی با ابوحنیفه مشهور و در منابع شیعه و سنی ثبت است. (نک: مناقب: ۴ / ۳۰۵ - ۲۳۳، کشف الغمه: ۲ / ۴۳۰ - ۳۶۷) به عنوان مثال چگونگی گردش خون در بدن و وظائف گلبولها را امام صادق (علیه السلام) دست کم هزار سال پیش از دانشمندان غربی بیان کرده است. (بنگرید: توحید مفضل).

## شمایل

بیشتر شمایل آن حضرت مثل پدرش امام باقر (علیه السلام) بود. جز آنکه کمی باریکتر و بلندتر بود. مردی بود میانه بالا، افروخته روی، پیچیده موی و پیوسته صورتش چون آفتاب می درخشید. در جوانی موهای سرش سیاه بود. بینی اش کشیده و وسط آن اندکی بر آمده بود و بر گونه راستش خال سیاهی داشت. محاسن آن جناب نه زیاد پرپشت و نه زیاد تنک بود. دندانهایش درشت و سفید بود و میان دو دندان پیشین آن گرمی فاصله داشت. بسیار لبخند می زد و چون نام پیامبر برده می شد رنگ رخسارش زرد و سبز می شد. در پیری سفیدی موی سرش بر وقار و هیبتش افزوده بود.

## آراستگی ظاهر

بسیار با ابهت بود. چندانکه چون دانشمندان زمانش به قصد پیروزی بر او برای مناظره‌های علمی به دیدارش می رفتند، با دیدن او زبانشان بند می آمد. همواره با وقار و متین راه می رفت و به هنگام راه رفتن عصا در دست می گرفت. ظاهرش همیشه مرتب و لباسش اندازه بود. به وضع ظاهر خود بسیار اهمیت می داد. موهای سر و صورتش را هر روز شانه می زد. عطر به کار می برد و گل می بوئید. انگشتری نقره با نگین عقیق در دست می کرد و نگین عقیق بسیار دوست می داشت. هنگام نشستن گاه چهار زانو می نشست و گاه پای راست را بر ران چپ می نهاد. در اتاقش نزدیک در و رو به قبله می نشست. لباسهایش را خود تا می کرد. گاه بر تخت می خوابید و گاه بر زمین. چون از حمام بیرون می آمد لباس تازه و پاکیزه می پوشید و عمامه می گذاشت.

## لباس پوشیدن

در لباس پوشیدن هم ظاهر را حفظ می کرد و هم توانایی مالی را و می فرمود: «بهترین لباس در هر زمان، لباس معمول مردم همان زمان است.» هم لباس نو می پوشید و هم لباس وصله دار. هم لباس گران قیمت می پوشید و هم لباس کم بها و می فرمود: «اگر کهنه نباشد، نو هم نیست.» لباس کم بها و زبر را زیر و لباس نرم و گران قیمت را روی آن می پوشید و چون «سفیان ثوری زاهد به وی اعتراض کرد که «پدرت علی (علیه السلام) لباسی چنین و گرانبها نمی پوشید» فرمود: «زمان علی (علیه السلام) زمان فقر و ناداری بود و اکنون همه چیز فراوان است. پوشیدن آن لباس در این زمان لباس شهرت است و حرام خداوند زیبا است و زیبایی را دوست

دارد و چون به بنده‌اش نعمتی می‌دهد، دوست دارد بنده‌اش آن را آشکار کند. سپس آستین را بالا زد و لباس زیر را که زبر و خشن بود، نشان داد و فرمود: «لباس زبر و خشن را برای خدا پوشیده‌ام و لباس روئین را که نو و گرانبها است برای شما.» هنگام احرام و انجام فریضه حج برد سبز می‌پوشید و به گاه نماز پیراهن زبر و خشن و پشمین. لباس سفید را بسیار دوست داشت و چون به دیدن دیگران می‌رفت آن را برتن می‌کرد. نعلین زرد می‌پوشید و به کفش زرد رنگ و سفید علاقه‌مند بود.

## غذا خوردن

به هنگام غذا خوردن چهار زانو می‌نشست و گاهی هم بر دست چپ تکیه می‌کرد و غذا می‌خورد. رعایت بهداشت را به ویژه به هنگام غذا خوردن بسیار مهم می‌شمرد. همواره هم پیش از غذا خوردن دستانش را می‌شست و هم بعد از غذا، با این تفاوت که پیش از غذا دستانش را بعد از شستن، با چیزی چون حوله خشک نمی‌کرد ولی پس از غذا آنها را می‌شست و خشک می‌کرد. اگر هنگام غذا خوردن دستانش تمیز بود آنها را نمی‌شست. همیشه غذا را با گفتن «بسم الله شروع می‌کرد و با جمله «الحمد لله به پایان می‌برد. نیز غذا را با نمک آغاز و با سرکه تمام می‌کرد. به هنگام خوردن غذا «الحمد لله بسیار می‌گفت و نعمتهای خدا را سپاس می‌گفت. غذا را داغ نمی‌خورد بلکه صبر می‌کرد تا معتدل شود، میل می‌کرد. به وقت خوردن از آن قسمت ظرف که مقابلش بود غذا می‌خورد. هیچگاه در حال راه رفتن غذا نمی‌خورد. و هیچ وقت شام نخورده نمی‌خواست. همواره به اندازه غذا می‌خورد و از پرخوری پرهیز می‌کرد. بعد از غذا خوردن خلال می‌کرد.

## عبادت

امام صادق (علیه السلام) از اعظم عباد و اکابر زهاد بود. از سه حال خارج نبود: یا روزه داشت، یا نماز می‌خواند و یا ذکر می‌گفت. چون روزه می‌گرفت بوی خوش به کار می‌برد و بعد از ماه رمضان بی‌درنگ زکات فطره روزه خود، خانواده و خدمتکارانش را می‌پرداخت. شبهای قدر را اگرچه مریض بود تا صبح در مسجد به نیایش و عبادت می‌گذراند. چون نیمه شب برای خواندن نماز شب بر می‌خواست با صدای بلند ذکر می‌گفت و دعا می‌خواند تا اهل خانه بشنوند و هر کس بخواهد برای عبادت برخیزد. هنگامی که ماموران حکومت برای دستگیری وی شبانه از دیوار منزلش وارد می‌شدند، او را در حال راز و نیاز با توانای بی‌همتا یافتند. آن گرامی ذکر رکوع و سجود را بسیار تکرار می‌کرد. امام صادق (علیه السلام) خداوند را همه جا حاضر و او را بر اعمال خود ناظر می‌دانست. از این رو به گاه نیایش مجذوب خداوند می‌شد. مالک بن انس می‌گوید: «با امام صادق بر او درود خدای باد حج گزاردم، به هنگام تلبیه هر چه می‌کوشید تا لیبیک بگویند، صدایش در گلو می‌ماند و چنان حالتی به او دست می‌داد که نزدیک بود از مرکبش به زیر افتد. گفتم: چاره‌ای نیست باید لیبیک گفت. فرمود: چگونه جرات کنم لیبیک بگویم، می‌ترسم خداوند بگوید: «نه لیبیک چون زبان به لیبیک می‌گشود، آن قدر آن را تکرار می‌کرد که نفسش بند می‌آمد. قرآن را بسیار بزرگ می‌داشت و آن را در چهارده بخش قرائت می‌فرمود.

## برنامه زندگی (کار)

امام صادق (علیه السلام) در زندگی برنامه‌ای منظم داشت و هر کاری را به موقع انجام می‌داد، چنانکه خود فرمود: «بی حیا بی ایمان است و بی برنامه بی چیز» مجلس درس و بحث و مناظره‌ها و مذاکرات علمی با شاگردان، یاران و سران مذاهب دیگر وقت معینی داشت و پرداختن به امور زندگی و کار در مزرعه و باغ نیز وقت خاص خودش را. آن حضرت یاران و پیروان خود را به کسب مال حلال تشویق می‌کرد و از آنان می‌خواست که در کار خود کوشا باشند و از هرگونه تنبلی و کسالت دوری کنند. کار کردن و



تجارت را موجب عزت و سربلندی انسان می‌دانست و می‌فرمود: «صبح زود برای به دست آوردن عزت خود بروید.» ولی تاکید می‌کرد که تجارت باید سالم باشد و کسب در آمد از راههای درست و مشروع باشد. آن گرامی هرگونه کوشش و تلاش را برای توسعه زندگی خود و خانواده، حج و زیارت رفتن، صدقه دادن و صلّه رحم کردن را تلاش برای آخرت می‌دانست نه دنیا. تنها به کار و کوشش سفارش نمی‌کرد، بلکه خود نیز کار می‌کرد و در روزهای بسیار گرم تابستان، عرق ریزان در مزرعه و باغ خود کار می‌کرد. باغش را بیل می‌زد و آبیاری می‌کرد. یکی از یارانش می‌گوید: «آن حضرت را در باغش دیدم، پیراهنی تنگ، زبر و خشن در پرو بیل در دست باغ را آبیاری می‌کرد و عرق از سرو صورتش سرازیر بود. گفتم: «اجازه بفرمایید من کار را انجام دهم.» فرمود: «من کسی را دارم که این کارها را انجام دهد، ولی دوست دارم که مرد در راه به دست آوردن روزی حلال از گرمی آفتاب آزار بیند و خداوند ببیند که من در پی روزی حلال هستم.» یکی از یارانش که آن حضرت را در یک روز بسیار گرم تابستان دید که کار می‌کند، معترضانه گفت: «فدایت شوم، شما با مقام والایی که نزد خداوند داری و خویشاوندی نزدیکی که با پیغمبر داری، در چنین روزی، این گونه سخت کار می‌کنی؟» امام (علیه السلام) پاسخ داد: «در طلب روزی حلال بیرون آمدم تا از چون تویی بی نیاز شوم.» امام صادق (علیه السلام) هم خود کار می‌کرد و هم غلامان و خدمتکاران خود را به کار و می‌داشت و هم کارگران روز مزد را به کار می‌گرفت. هر وقت کارگری را به کار می‌گرفت پیش از خشک شدن عرقش مزدش را می‌پرداخت. هنگام برداشت خرما هم در جمع آوری آن کمک می‌کرد و هم در وزن کردن آن. و هم به هنگام فروش و تقسیم بر فقرا و نیازمندان.

## تجارت

امام صادق (علیه السلام) نه تنها پیروان و یارانش را به کارهای درست و تجارت صحیح تشویق می‌کرد بلکه خود نیز گاهی به تجارت می‌پرداخت. اما نه به دست خویش. بلکه سرمایه‌اش را در اختیار کارگزاران و افراد مطمئن قرار می‌داد تا با آن تجارت کنند. چون می‌شنید که سودی برده و روزی به او رسیده شادمان می‌شد. با این حال بر تجارت سالم بسیار تاکید داشت و هنگامی که کارپرداز وی مصادف که با سرمایه وی به تجارت مصر رفته بود، با سودی کلان بازگشت فرمود: «این سود خیلی زیاد است با کالاها چه کردید که چنین سود هنگفتی به دست آوردید؟» مصادف پاسخ داد: «چون به مصر نزدیک شدیم از کاروانهای که از مصر می‌آمدند از وضع کالای خویش پرسیدیم. دانستیم که این کالا مورد نیاز مردم مصر است و در بازار آنجا بسیار نایاب است. از این رو با هم پیمان بستیم که کالایمان را جز در برابر هر یک دینار سرمایه یک دینار سود، کمتر نفروشیم، این بود که سود زیادی بردیم.» امام (علیه السلام) فرمود: «سبحان الله، علیه مسلمانان هم پیمان می‌شوید که کالایتان را جز در برابر هر دینار سرمایه یک دینار سود کمتر نفروشید!» سپس اصل سرمایه‌اش را برداشت و فرمود: «من را به این سود نیازی نیست. ای مصادف، چکاکچک شمشیرها از کسب روزی حلال آسان تر است.» چون امام (علیه السلام) این گونه سود بردن را اجحاف در حق مسلمانان می‌دانست به کارگزار خود اعتراض کرد و از آن سود چیزی بر نگرفت.

## بخشش به نیازمندان

امام (علیه السلام) با آن همه تاکید و تلاش در به دست آوردن روزی حلال، بسیار بخشنده و کریم بود. یاران و پیروان خود را به بخشش سفارش می‌کرد و تاکید می‌فرمود یاور درماندگان و دستگیر در راه ماندگان باشند. او خود نیز عملاً چنین بود. پیوسته می‌فرمود: «مال با صدقه کم نمی‌شود.» امام بی‌توجهی به مؤمنان نیازمند را کوچک شمردن آنان می‌دانست و کوچک شمردن آنها را توهین به اهل بیت پیامبر (ص). حضرت صادق (علیه السلام) از راههای مختلف به خویشان و دیگر مردم نیازمند کمک می‌کرد. گاه نهانی صدقه می‌داد و گاه آشکار؛ گاه توسط کسی می‌فرستاد و گاه خود می‌برد. گاهی نیز غذا می‌پخت و افراد را به خوردن

دعوت می‌کرد. شبانگاه، که تاریکی شب سایه می‌گسترده و مردم می‌خفتند، امام (علیه السلام) همچون پدران زنیلهای نان و گوشت بر دوش می‌گذارد، کیسه‌های درهم و دینار در دست می‌گرفت، ناشناس به سراغ نیازمندان می‌رفت و غذا و پول را میان آنها تقسیم می‌کرد. معلی، یکی از ارادتمندان امام صادق (علیه السلام) می‌گوید: «امام (علیه السلام) در شبی که باران نم‌نم می‌بارید از خانه به قصد سقیفه بنی ساعده بیرون رفت. من پنهانی دنبالش رفتم. در میان راه، ناگاه چیزی بر زمین افتاد. فرمود: «بسم الله، خدایا به من بازش گردان. جلو رفتم و سلام کردم، فرمود: معلی هستی؟ گفتم: آری، فدایت شوم. فرمود: «با دستانت جستجو کن، آنچه یافتی به من بده. جستجو کردم، نانهای پراکنده‌ای یافتم. وقتی آنها را به امام (علیه السلام) می‌دادم کیسه‌ای پر از نان بر دوشش دیدم. گفتم: اجازه بفرمایید من آن را بردارم. فرمود: من به حمل آن سزاوارترم، ولی با من بیا. سپس به سقیفه بنی ساعده رفتم و مردمی را خفته یافتیم. امام (علیه السلام) کنار هر نفر یک یا دو نان گذاشت و برگشتیم.» علاوه بر آنچه امام خود شبانه به نیازمندان می‌داد، گاه به واسطه دیگران نیز اموالی برای آنان می‌فرستاد و می‌گفت: «به گیرنده نگوئید من داده‌ام بر صدقه پنهانی تاکید می‌کرد و آن را بسیار دوست داشت. فضل بن ابی قره می‌گوید: «امام کیسه‌های پول را به کسی می‌داد و می‌فرمود: اینها را به فلانی و فلانی از بنی هاشم بده و بگو از عراق برایتان فرستاده‌اند.» آن شخص می‌برد و باز می‌گشت. امام می‌پرسید: چه گفتند؟ پاسخ می‌داد: گفتند: به سبب نیکی‌ات به خویشان پیامبر (ص)، خدای پاداش نیکت دهد.» بخششهای شبانه امام ادامه داشت و گیرندگان دهنده را نمی‌شناختند، تنها پس از درگذشت امام دریافتند که یاور آنان که بوده است. افزون بر این، امام آشکارا نیز از مستمندان دستگیری می‌کرد. یک بار چهارصد درهم و یک انگشتری به ارزش ده هزار درهم به فقیری بخشید. امام صادق (که درود خدا و فرشتگانش بر او باد) در صدقه دادن روشی ویژه داشت، اگر گیرنده به آنچه می‌گرفت قانع بود و خدای را سپاس می‌گفت، امام بیشتر به او می‌بخشید، و اگر آن را کم می‌دانست یا به جای شکر خدای از امام تشکر می‌کرد، دیگر چیزی به او نمی‌داد. مسمع بن عبدالملک گوید: «روزی خدمت امام صادق (علیه السلام) بودیم و انگور می‌خوردیم. نیازمندی آمد و چیزی خواست. امام (علیه السلام) خوشه‌ای انگور به وی داد. نیازمند گفت: نیازی به این ندارم پول بدهید! امام چیزی به او نداد و فرمود: خدای روزی دیگران را زیاد کند. نیازمند رفت و دوباره باز آمد و گفت: همان خوشه انگور را بدهید. امام چیزی به او نداد و فرمود: خدای روزیت را زیاد کند. سپس نیازمند دیگری آمد. امام (علیه السلام) سه دانه انگور به وی داد. نیازمند گرفت و گفت: سپاس خدای را که این روزی‌ام کرد. امام فرمود: صبر کن، پس دو دست خود را پر از انگور کرده، به او داد. تهیدست انگورها را گرفت و گفت: سپاس خدایی را که این روزی‌ام کرد. امام صادق (علیه السلام) فرمود: بمان. سپس پولی که حدود بیست درهم بود، به او داد. نیازمند گرفت و گفت: خدایا، تو را سپاس. این تنها از طرف تو است. امام فرمود: بمان. سپس پیراهن خود را به او بخشید و فرمود: این را ببوش! مرد تهیدست پیراهن را گرفت، پوشید و گفت: سپاس خدایی که مرا پوشاند... ای اباعبدالله، خدایت پاداش نیک دهد. جز این برای امام دعای دیگری نکرد و ما گمان کردیم که اگر امام را دعا نمی‌کرد همچنان به او چیز می‌بخشید.» امام (علیه السلام) همچنین از محصول باغهای خود نیز به نیازمندان، رهگذران و همسایگان می‌بخشید. امام باغی به نام چشمه «ابی زیاد» داشت که سالانه چهار هزار دینار درآمد داشت. آن قدر از آن می‌بخشید که تنها چهارصد دینار باقی می‌ماند. این باغ ماجرای شگفت دارد. یکی از یاران امام (علیه السلام) به وی گفت: «شنیده‌ام در باغ چشمه ابی زیاد کاری شگفت می‌کنی، دوست دارم از زبان شما بشنوم.» امام فرمود: «آری، چون خرماها می‌رسد، فرمان می‌دهیم دیوارهای باغ را سوراخ کنند تا مردم وارد شوند و از میوه آن بخورند، و نیز فرمان می‌دهم «ده ظرف خرما، که بر سر هر یک ده نفر می‌توانند بنشینند، آماده کنند و چون ده نفر بخورند، ده تن دیگر بیایند و هر نفر یک مد خرما می‌خورند.» سپس فرمان می‌دهم به تمام همسایگان باغ، از پیرمرد و پیرزن و مریض و کودک و زن و همه کسانی که توانایی آمدن نداشته‌اند، یک مد خرما بدهند. سپس مزد باغبانان و کارگران و سرپرستان باغ را می‌دهم و باقیمانده محصول را به مدینه می‌آورم و بین نیازمندان و آبرومندان به اندازه نیازشان تقسیم می‌کنم و

در پایان از چهار هزار دینار، چهار صد دینار برایم باقی می ماند. امام صادق (علیه السلام)، افزون بر این بخششها، بسیار میهمانی می داد. شاگردان، پیروان خویشاوندان، غریبان و رهگذران را به میهمانی می خواند و اطعام می کرد. خانه اش منزلگاه غریبان و مسافران بود. میهمانی دادن را بسیار دوست داشت. اطعام را از آزاد کردن بنده بهتر می دانست. او به پیروانش سفارش می کرد که خویشان و همسایگان و دوستان خویش را اطعام کنند. امام (علیه السلام) به اندازه‌ای میهمانی می داد که می توان گفت، بیشتر اوقات میهمان داشت. مردم می گفتند: «جعفر بن محمد به اندازه‌ای مردم را اطعام می کند که برای خانواده اش چیزی باقی نمی ماند.» امام صادق (علیه السلام) وقتی نمی خواست کسی را به خانه ببرد، تعارف نمی کرد. چون میهمانان بر سر سفره می نشستند، تعارف می کرد که بیشتر بخورند و هر چه بیشتر می خوردند، شادمان تر می شد. گاه خود از میهمانان پذیرایی می کرد. و کارهای آنها را انجام می داد، سر سفره گوشتها را جدا می کرد و در برابر میهمانان می گذاشت. خود برای میهمانان غذا می نهاد و حتی به دست خود برای آنها لقمه می گرفت. بسیار اتفاق می افتاد که وقتی مجلس درس و مناظره تمام می شد، موقع غذا خوردن بود. شاگردان و حاضران در محفل را نگه می داشت و با آنها غذا می خورد. در مقابل میهمانان بسیار خوشرو و خوش رفتار بود. و فقیر و غنی را باهم دعوت می کرد. گاه به میهمانان غذای بسیار لذیذ می داد و گاه غذای ساده و معمولی. در پاسخ یکی از یاران در این مورد، فرمود: من به اندازه توانم غذا می دهم. چون خدای روزی زیاد برساند، طعام نیکو می دهم و چون روزی کم برسد، با غذای معمولی اطعام می کنم. چون میهمانی می داد غذایش هم خوب بود و هم زیاد. میهمانان را بزرگ می داشت و از حضور آنها اظهار شادمانی می کرد. به هنگام آمدن میهمانان، به آنها خوش آمد می گفت و در باز کردن و وانهادن بارشان به آنها کمک می کرد. هنگام رفتن میهمانان، در بستن بار و بنه به آنها کمک نمی کرد و خدمتکارانش را نیز از کمک کردن به آنها باز می داشت. چون سبب را می پرسیدند می فرمود: ما خاندانی هستیم که میهمانان را بر رفتن از منزلمان یاری نمی دهیم.

## شجاعت

امام صادق (علیه السلام) از نسل علی بود و در شجاعت بی نظیر. او شجاعت و پایداری را از پدران خود به ارث برده بود. در مقابل زورمندان و امیران از گفتن حق پروا نداشت. روزی منصور، خلیفه عباسی، از مگسی در مانده شد و از وی پرسید: چرا خداوند مگس را آفرید؟ امام (علیه السلام) پاسخ داد: «تا جباران را خوار کند.» وقتی «داوود بن علی، فرماندار مدینه، معلی بن خنیس را کشت، شمشیر برگرفته به کاخ امارت رفت، حقیقش را مطالبه کرد، قاتل «معلی را به قصاص کشت. ماموران حکومت خانه اش را به آتش کشیدند، در میان شعله های آتش قدم می زد و می فرمود: «من فرزند ابراهیم خلیلم وقتی که فرماندار اموی مدینه در حضور بنی هاشم و در خطبه های نماز علی (علیه السلام) را دشنام داد و همه بنی هاشم سکوت کردند، امام (علیه السلام) چنان پاسخ کوبنده ای به او داد که فرماندار بی آنکه خطبه را تمام کند راه خانه پیش گرفت.»

## مهابت، گذشت و بردباری

امام (علیه السلام) مهابتی خدادادی داشت، چهره اش نورانی بود و نگاهش نافذ. عبادت بسیار سبب شده بود ابهتش دلها را جذب کند. عظمت و مهابت وی چنان بود که ابوحنیفه بر منصور وارد شد و امام (علیه السلام) حضور داشت، به گفته خودش چنان تحت تاثیر هیبت امام (علیه السلام) قرار گرفت که مهابت منصور با آن همه خدم و حشم در برابر آن هیچ بود. یکی از دانشمندان علم کلام، که بسیار بر خود می بالید و خود را برای مناظره با آن حضرت آماده کرده بود، چون چشمش به امام افتاد چنان تحت تاثیر قرار گرفت که حیران ماند و زبانش بند آمد. امام با وجود شجاعت و مهابت و قوت قلبی که داشت، در برخورد با مردم و خدمتکارانش بسیار بردبار و با گذشت بود و بدی را با نیکی پاسخ می داد. رفتارش با دیگران، حتی خدمتکاران بسیار ملایم و

مهربانانه بود. خوشرو و خوش رفتار بود و ملایمت و نرمی معیار رفتارش شمرده می‌شد. روزی غلامش، که در پی کاری رفته بود، دیر کرد. امام (علیه السلام) در پی‌اش گشت و او را خوابیده یافت. نه تنها با او درشتی نکرد، بلکه کنارش نشست و او را باد زد تا بیدار شد. آنگاه به او فرمود: «تو را نشاید هم شب بخوابی هم روز، شب بخواب و روز کار کن.» گاه حتی بیش از این گذشت نشان می‌داد، به نماز می‌ایستاد و برای بدکننده از خدا آمرزش می‌طلبد. روزی شخصی که، امام را نمی‌شناخت، او را به دزدی متهم کرد. امام (علیه السلام) وی را به خانه برد و هزار درهم به او داد. چون شخص شرمنده و عذرخواه بازگشت و درهم‌ها را پس آورد، امام آن را نپذیرفت.

### صبر

امام صادق (علیه السلام) در برابر سختیها و مصیبتها بسیار پایدار بود. در برابر سختیهایی که حکومت برایش ایجاد می‌کرد و گاه حتی شبانه به منزلش می‌ریختند و به مرگ تهدیدش می‌کردند، استوار بود. او در غم از دست دادن فرزندان بسیار صبور بود. روزی با میهمانانش بر سر سفره بود که خبر درگذشت پسر بزرگش اسماعیل را آوردند. با آنکه اسماعیل را بسیار دوست داشت نه تنها بی‌تابی نکرد، بلکه با میهمانان نشست، لبخند زد، پیش میهمانان غذا گذاشت و آنها را به خوردن تشویق کرد و از روزهای دیگر بهتر غذا خورد. میهمانان از این که او را غمگین ندیدند تعجب کردند و سبب را پرسیدند. حضرت فرمود: «چرا چنین نباشم، راستگوترین راستگویان به من خبر داده است که من و شما خواهیم مرد.» چون کودکش مریض شده بود، غمگین بود و چون کودک درگذشت، اندوه را به کناری نهاد و به جمع یاران پیوست. پرسیدند: «تا کودک بیمار بود، غمگین بودی و چون درگذشت، غم از چهره زدودی؟» فرمود: «ما خاندانی هستیم که پیش از وقوع مصیبت اندوهگین می‌شویم و چون فرمان حق در رسد به قضا رضا می‌دهیم و تسلیم فرمان حق هستیم. در فراق از دست دادن یاران و خویشاوندان اشک می‌ریخت، ولی پیوسته راست قامت بود. در شهادت عمویش «زید بن علی بن الحسین (علیه السلام)» گریست. در گرفتاری، شکنجه‌ها و شهادت عموزادگانش گریست، ولی همچنان پایدار ایستاد.

### تواضع

امام (علیه السلام)، با همه شرافت نسب و جلالت قدر و برتری دانشی که داشت، بسیار متواضع بود و در میان مردم چون یکی از آنان بود. به دست خویش خرما وزن می‌کرد. باغ خود را بیل می‌زد، آبیاری می‌کرد. چهارپا سوار می‌شد. و اجازه نمی‌داد حمام را برایش قرق کنند. چون بندگان بر زمین می‌نشست و غذا می‌خورد. و خود از میهمانانش پذیرایی می‌کرد. روزی برای دلجویی و دیدار به منزل یکی از بنی‌هاشم می‌رفت که کفشش پاره شد. کفش پاره را به دست گرفت و با یک پای برهنه تا مقصد رفت. یتیمان را نوازش و سرپرستی می‌کرد.

### صله رحم

برخورد خوب در برابر رفتار بد و مهربانی در مقابل خشونت، معیار رفتارش بود. او می‌کوشید کینه‌ها را از دلها بشوید و پیوندهای بریده را دوباره برقرار سازد. از جمله سجایای اخلاقی امام (علیه السلام) این بود که از خطاکار در می‌گذشت و پیوندش را با کسی که از او بریده بود، برقرار می‌کرد. آنگاه که بین آن حضرت و «عبدالله بن الحسن نوه امام حسن (علیه السلام) مشاجرهای در گرفت، عبدالله با آن حضرت درشتی کرد. وقتی دوباره یکدیگر را دیدند، امام حال عبدالله را پرسید. وی خشمگینانه گفت: «خوبم». امام فرمود: «آیا نشنیده‌ای که صله رحم حسابرسی قیامت را سبک می‌کند.» به گاه مرگ وصیت کرد تا به «حسن افضس، پسر

عمومی آن حضرت که به قصد کشتن امام (علیه السلام) به ایشان حمله کرده بود، هفتاد دینار بدهند.

## کمک مالی برای برقراری صلح و آرامش

او تنها برای برقراری پیوند و محبت بین خود و خویشاوندانش تلاش و از خود گذشتگی نمی کرد، بلکه برای برقراری دوستی بین دیگر مردم، به ویژه شیعیانش، نیز می کوشید. از مال خویش مبلغی به یارانش داده بود تا هرگاه پیروانش با هم به نزاع برخیزند به آنها بدهند و بینشان آشتی برقرار سازند.

## همدردی با مردم

نه تنها خود را در غم و شادی نزدیکان و یاران و پیروانش شریک می دانست، بلکه با تمام مردم همدردی می کرد. وقتی در مدینه نرخها بالا رفته بود به وکیل خرجش فرمان داد تا مواد غذایی موجود را بفروشد و مانند سایر مردم روزانه غذا تهیه کند. «معتب می گوید: چون در مدینه نرخها بالا رفت، امام به من فرمود: چقدر مواد غذایی داریم؟ گفتم: «چند ماهی را کفایت می کند. فرمود: آنها را بفروش. گفتم: مواد غذایی در مدینه نایاب است. فرمود: آن را بفروش و بعد مانند مردم هر روز مواد غذایی خریداری کن. ای معتب، نیمی از خوراک خانواده‌ام را گندم قرار بده و نیمی را جو؛ خدا می داند من می توانم به آنها نان گندم بدهم ولی دوست دارم خداوند ببیند که برای اداره زندگی‌ام خوب برنامه‌ریزی کرده‌ام. نه تنها دستگیر خویشاوندان، شیعیان و عموم مسلمانان بود؛ بلکه نیازمندان غیر مسلمان را نیز کمک می کرد. «معتب می گوید: بین مکه و مدینه همراه امام بودم. به مردی برخوردیم که خود را زیر درختی انداخته بود، امام فرمود: «به طرف او برویم، می ترسم تشنگی وی را از پای در آورده باشد». راهمان را کج کردیم و به سوی او رفتیم؛ مردی مسیحی بود با موهای بلند. امام (علیه السلام) از او پرسید: «تشنه‌ای؟» گفت: «آری امام فرمود: ای مصادف، آبش بده. من پیاده شدم و سیرابش کردم. سپس سوار شدیم و رفتیم. من گفتم: این مرد مسیحی بود، آیا به مسیحی هم کمک می کنی؟! فرمود: در چنین حالتی آری. به هنگام فتنه از مدینه خارج می شد و به یکی از باغهایش می رفت و چون شورش فرو می نشست و آرامش برقرار می شد، به مدینه باز می گشت.

## درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره

الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز تحقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) ایمیل: [Info@ghaemiyeh.com](mailto:Info@ghaemiyeh.com) فروشگاه اینترنتی:

[www.eslamshop.com](http://www.eslamshop.com)

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-(۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۹۰ IR

۵۳-۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام: - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را ببدان، نگاه می‌دارد و با حجت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

